

بسم الله الذي لا يضر

دوبال کرامت

طهران وحی، عالم ان وحی

www.ketab.ir

مؤلفین:

زینب اسماعیلی

رئیس فراهیزی

فهرست مطالب

.....	سخن مولف	۵
.....	مقدمه	۲۵
.....	رهنمود قرآنی پیرامون تشکر و قدردانی از خالق و مخلوق	۳۰
.....	تشکر از مخلوق؛ جلوه‌ی تشکر از خالق	۴۴
.....	حق شناسی: خویبها و زحمات دیگران را فراموش نکن!	۵۱
.....	جراحی ایجاد حجاب‌های معنوی بین خالق و مخلوق	۶۳
.....	چگونگی رفع حجاب‌های معنوی بین خالق و مخلوق	۸۲
.....	دو دنیا از نگاه اسلام و قرآن	۹۷
.....	دنیای مذموم کجاست؟!	۱۱۰
.....	دنیای ممدوح کجاست؟!	۱۲۰
.....	دنیا؛ کشتزار آخرت	۱۳۰
.....	آیا دنیا دوروزه است؟!	۱۴۸
.....	برداشت قرآن از دنیای فانی چیست؟	۱۶۵
.....	دنیا خواب است وقتی مردم بیدار می‌شویم!	۱۷۱
.....	وابستگی به دنیا؛ نیاز یا انکار؟	۱۷۷
.....	فکر می‌کنید ما شما را بیهوده آفریده‌ایم!	۱۸۸
.....	مرز خودخواهی و تکبر: عزت یا ذلت؟	۱۹۴
.....	خداوند از دریچه سوره توحید	۲۱۲
.....	زمان مرگ؛ تقدم و تاخر ندارد	۲۲۳
.....	مرز تفاوت‌های دنیا و آخرت	۲۳۵

۲۴۱	گستره و تعدد عوالم کیهانی از نگاه قرآن و اسلام
۲۶۶	تفاوت وحی و الهام در چیست؟
۲۷۵	گریزی بر علم ژنتیک
۲۸۳	اثبات ژنتیک در دین اسلام
۲۹۰	علم یوژنیک؛ اخلاقی یا ضد اخلاقی؟!
۲۹۵	پیام قرآنی که ما مردگان را زنده می کنیم (سوره یس آیه ۱۲)
۳۰۷	قرآن کریم؛ کتابی در لوح محفوظ و مصون از دست اندازی
۳۱۲	لوح محفوظ؛ مخزن باارزش الهی (سوره بروج آیات ۲۱ و ۲۲)
۳۲۱	سوگند به کوه طور و کتابی نوشته شده در صفحه‌ای سرگشاده!
۳۳۰	نسخه قرآنی خوردن و آشامیدن
۳۵۴	برکات و لذت‌های الهی از دریچه قرآن
۳۷۴	استفاده از برکات جنسی و زناشویی در چارچوب قرآن
۳۹۳	ازدواج و زناشویی از دریچه روایات
۴۳۹	اولیا خدا، ترس و اندوه ندارند (یونس آیه ۶۲)
۴۴۵	بخیل و خسیس (آل عمران آیه ۱۸۰)
۴۵۲	بخیل از نگاه اسلام
۴۶۱	سخن پایانی
۴۶۸	منابع

سخن مولف

با اندک توجه به کرامات و نعمت‌های خداوند، دو گونه کرامت را می‌توان برای انسان متصور شد. نخست کرامت عامه که تمام موجودات را در بر گرفته و اشاره به رحمت عام پروردگار دارد و همگان در برخورداری از آن حق یکسانی دارند. نوع دیگر کرامتی است که تنها کسانی را شامل است که قدمی بیش از دیگران در مسیر سعادت خویش برداشته‌اند و از آن تعبیر به کرامت اکتسابی می‌شود. یعنی همت و تلاش انسان در راه تقرب خداوند تعیین‌کننده آن است که تا چه حد در ظل این نوع کرامات قرار گیرد. این نکته‌ای است که در طول تاریخ توسط برخی از جوامع بشری به باد فراموشی سپرده شده یا از روی آگاهی - برای نیل به اهداف استعماری خود به آن بی‌توجهند. همواره حاکمان جور بر پایه تعصبات قومی و نژادی، حقوق اولیه انسان‌های دیگر را نادیده گرفته و آنها را از نعمت‌هایی که با هموعان خود در استفاده از آنها مشترک بوده‌اند، محروم ساخته‌اند.

آنگاه که آدم و حواء از بهشت هبوط کردند خداوند خطاب به آنها فرمود: **قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هَدًى فَمَنْ تَبَعَ**

هدای فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون. (بقره، ۳۸/۲) «جملگی از آن
 فرود آید. پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد، آنان که
 هدایت را پیروی کنند برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند
 شد.» که مفسران مراد از «هُدًی» در این آیه را انبیا و رسل
 می‌دانند. (ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، بیروت،
 موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ هـ (چاپ ۱۰ جلدی)، ج ۱،
 ص ۱۷۷؛ شبیه به چنین عبارتی از المیزان، ۱/ ۱۳۷) خداوند به
 روشنی وجود نعمت انبیا را به انسان متذکر می‌شود: یا قوم اذکروا
 نعمت الله علیکم إذ جعل فیکم انبیاء و... (مائده، ۲۰/۵)

قرآن در جای دیگری این مطلب را با صراحت بیشتری بیان
 می‌کند:

لقد منّ الله علی المؤمنین إذ بعث فیهم رسولاً من أنفسهم یتلوا
 علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و إن کانوا من قبل
 لفی ضلال مبین. (آل عمران، ۱۶۴/۳)

به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان
 در میان آنان بر انگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و
 پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، قطعاً پیش از آن
 در گمراهی آشکاری بودند.

بی‌شک آیات فوق در مقام بیان نعمت و کرامتی است که بر

بندگان خدا عطا شده است. زمانی که خداوند عقل را در انسان به ودیعه نهاد، می دانست که عقل، به عنوان تنها رسول‌إلی‌الحق کفایت نمی کند. چراکه قابلیت درک حقایق غیر مادی را ندارد. از این رو برای تسهیل در امر هدایت بشر، رسولانی فرستاد. حجتی که مردم آن را در میان خودشان احساس کنند، و او را الگو و سرمشق خویش قرار دهند. بنده‌ای که مصداق عقل اتم و اکمل باشد: لقد کان لکم فی رسول اللہ أسوة حسنة. (احزاب، ۲۱/۳۳) از آنجاکه تمامی انسان‌ها از عقل خودشان بهره کامل نمی‌برند یا در تشخیص حق از باطل کمتر آن را به کار می‌بندند، لذا نیاز به پیشوا و الگویی در بین خودشان داشتند که برای آنها نقش مذکر و یادآورنده باشد: یا ایها النبی إنا أرسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً. (احزاب، ۴۵/۳۳) انبیا شاهی در بین تمام امت‌ها در هر عصری، وظیفه تبشیر و انذار را بر دوش دارند. تبشیر مؤمنین به بهشت و ثواب پروردگار و انذار کافرین به عذاب جهنم. (المیزان، ۳۲۸/۶) با وجود انبیا دیگر برای مردم عذر و بهانه‌ای نزد پروردگار وجود نخواهند داشت که چرا برای ما انذار دهنده‌ای نفرستادی؟

إنا أوحینا إلیک كما أوحینا إلی نوح و النبیین من بعده و أوحینا إلی إبراهیم و إسماعیل و إسحاق و یعقوب و الأسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و

سليمان و آتينا داود زبوراً... رسلاً مبشرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل و كان الله عزيزاً حكيماً. (نساء، ۱۶۳/۴ - ۱۶۵)

ممکن است این سؤال پیش آید که بر اساس آیه لقد منّ الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولاً من أنفسهم. (آل عمران/۱۶۴) این کرامت فقط برای مؤمنین است و دیگران شامل چنین کرامتی نمی‌شوند؟ لذا آن را نمی‌توان به عنوان کرامتی عام به شمار آورد. مرحوم طبرسی صاحب مجمع البیان پاسخ این سؤال را این گونه بیان کردند: این آیه بیانگر آنست که خداوند بر مؤمنین منت نهاده و پیامبری را از خودشان مبعوث گردانیده ولی پیامبر(ص) کسی است که برای هدایت تمامی افراد بشر آمده است. علت آنکه در آیه فقط مؤمنین ذکر شده‌اند، اینست که مؤمنین بیشتر از دیگران از خداوند در جهت کمال و رشد سود و نفع می‌برند. (مجمع البیان، ۱/۴۳۵)

علاوه بر این، آیات دیگری نیز نشان می‌دهند که این کرامت عمومی و برای تمام بشر است.

ولقد بعثنا في كل أمة رسولاً أن اعبدوا الله... (نحل، ۱۶/۳۶)

و لكل أمة رسولاً. (یونس، ۱۰/۴۷)

و ما كنا معذبين حتى نبعث رسولاً. (اسراء، ۱۷/۱۵)

تمام پیامبران در بین مردم بودند و با مردم و در بین مردم

غذا می‌خوردند.

وما أرسلنا قبلك من المرسلین إلا انهم لیاكلون الطعام و یمشون فی الأسواق
و جعلنا بعضکم لبعض فتنة أتصبرون و كان ربك بصیراً. (فرقان، ۲۵/۲۰)

و به صورت خاص پیامبر شما (مسلمین) پیامبری است
ارحم الراحمین: و ما ارسلناک إلا رحمة للعالمین. (انبیاء، ۲۱/۱۰۷)

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ... (توبه، ۹/۱۲۸)

نزول کتاب

نزول کتابی هدایت‌گویی به همراه رسول از جمله نمادهای
کرامت الهی به انسان است. خداوند با نزول کتاب آسمانی راه
انسان را در پیمودن مسیر حق آسان کرد: ثُمَّ السَّبِيلَ
یَسِّرُهُ (عبس، ۸۰/۲۰) کتابی که نقش راهنما و رهبر را دارد. چنانکه
خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ مِنْ
قَبْلِ هَذِهِ لِلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ. (آل عمران، ۳/۴-۳)

این کتاب‌ها منشأ الهی داشتند ولی خود بشر بود که برای
ارضای خواسته‌های نفسانی دست به تحریف کتاب‌ها زد و از این
نعمت محروم ماندند. وگرنه کرامت بشری در این زمینه عام بوده
است.